



مقایسه مفهومی واژه بلبل در اشعار منوچهری دامغانی و منطق الطیر عطار نیشابوری

حنانه امینی^۱، فاطمه بابایی^۱، طیبه راستینه^۱، لیلا رستگاری^۲

۱- دانشجوی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر شیراز

۲- استاد دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر شیراز

چکیده

در هر دوره سبک های متفاوتی روی کار آمده اند که هر کدام با توجه به ویژگی های خود آثاری خلق کرده اند. دو سبک خراسانی و عراقی با ویژگی های متضاد، منجر به خلق آثار شاهکار و بینظیری شده اند که وقتی در مقایسه باهم قرار میگیرند زیبایی آن پدیدار میشود. در این پژوهش به مقایسه کاربرد و معنای واژه بلبل در آثار این دو سبک می پردازیم. در میان آثار این دو دوره با انتخاب یکی از پرکاربردترین مضامین شعری یعنی پرندگان تفاوت های این دو عصر را به چالش می کشیم. واژه ها نیز به ما کمک می کنند تا تفاوت این دو عصر را به معنای واقعی حس کنیم. با جمع آوری اطلاعات و تحلیل داده به این پی می بریم که در سبک خراسانی نظرها فقط در ظاهر طبیعت سیر می کند، ولی در سبک عراقی ذهن انسان به فراسوی طبیعت سفر می کند و پرده طبیعت و ماده را کنار می زند تا بتواند افق های بالاتر را بهتر درک کند.

کلمات کلیدی: عطار نیشابوری، منوچهری دامغانی، بلبل، منطق الطیر



◆ مقدمه:

استفاده از مضامین طبیعت در آثار شاعران فارسی شایان توجه است. در میان عناصر طبیعت، پرندگان حضور پررنگ دارند که بلبل جایگاه خاصی در این زمینه دارد.

بلبل در آثار شاعران به قدری مورد توجه قرار گرفته است که خود به یک قرارداد ادبی تبدیل شده است. با بررسی آثار شاعران شاید در نگاه اول این برداشت را داشته باشیم که به علت دارا بودن اشتراکات لفظی می توان نتیجه گرفت که شاعران و نویسندگان در بیشتر موارد دارای اعتقادات یکسانی بوده اند و از طریق نظم و نثر ادبی آن را به دیگر افراد زمانه خود و حتی نسل های آینده منتقل می کنند؛ اما با بررسی دقیق آثار بزرگان شعر و ادب فارسی می توان این نکته را دریافت که چه بسیار شاعرانی که از یک لفظ استفاده کرده اند اما برداشت آن فرد با دیگری تفاوت دارد؛ به عنوان نمونه (بلبل) که معروف به مرغ خوش الحان است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴۲۹۱) و عشق آن به گل شهره هر زمان است نیز می تواند دارای معانی متفاوت در آثار ادبی باشد.

در این مقاله به بررسی لفظ (بلبل) در اشعار دو نفر از بزرگان شعر و ادب جناب عطار نیشابوری و جناب منوچهری پرداخته شده است که عطار نیشابوری در چهار مثنوی از لفظ (بلبل) استفاده کرده است و منوچهری در هجده قصیده این لفظ را به کار برده است. بر اساس پژوهش های انجام شده این موضوع را دریافت نمودیم که عوامل مختلف و گسترده ای می توانند بر برداشت متفاوت هر فرد اثر گذار باشند؛ مانند سبکی که می توان در آثار هر فرد شاهد بود، زندگی هر شاعر و... که در ادامه به صورت گسترده به این موضوعات پرداخته می شود. در این پژوهش هدف ما کشف تفاوت مفهومی جناب منوچهری و عطار نیشابوری از لفظ (بلبل) و عوامل مؤثر بر این تفاوت است که با روش کیفی مورد بررسی قرار داده ایم و توصیف این دو مفهوم و تبیین و علت یابی برای برگزیدن این مفاهیم از دیدگاه هر شاعر را مدنظر گرفته ایم.

بیان مسئله:

زمینه و بستر زندگی هر شاعر بر اندیشه و اعتقادات آن شاعر تأثیر بدون انکار دارد و این مسئله در آثار آنها نمایان می شود. در قرن های مختلف سبک های متنوع به روی کار آمدند که نشأت گرفته از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ آن زمان بوده است.

دو سبک خراسانی و عراقی به تبع اوضاع زمانه خود ویژگی ها و مشخصه های متفاوتی باهم دارند که آثار این دو سبک را از هم متمایز می کند.

بنابراین، نگارنده این جستار بر اساس این داده ها به مقایسه آثار این دو قرن از طریق آثار دو شاعر می پردازد.

پیشینه تحقیق:

هر چند ما شاهد دیوان منوچهری و عطار نیشابوری هستیم؛ اما آنها دارای شرح گسترده که ما را به این تفاوت مفهومی برساند نبوده است و در حد معنی لغات دشوار مخاطب را راهنمایی نموده است؛ ولی کتاب هایی مانند گزیده اشعار منوچهری دامغانی از آقای امامی افشار که شرحی بر برخی اشعار نوشته اند را می توان به عنوان یک منبع برای دریافت دیدگاه جناب منوچهری دانست؛ البته از هجده قصیده ای که در آن لفظ (بلبل) به کار رفته است، فقط هفت قصیده از آن



همچده قصیده در کتاب است؛ در اصل می توان گفت با بررسی منابع مختلف و عوامل مؤثر بر دیدگاه هر شاعر معنای این لفظ را دریافت کرده و برای ادامه کار که مقایسه این دو دیدگاه نسبت به لفظ (بلبل) است و موضوع مقاله می باشد، با توجه به جست و جو و رجوع به منابع مختلف این موضوع را دریافت نمودیم تا زمان پژوهش ما فردی به این تفاوت نپرداخته است و یک موضوع جدیدی است که می تواند به مخاطب دیدگاه تازه ای را بدهد و او را از لفظ فراتر برده و به مرتبه رفیع مفاهیم برساند.

در لغت نامه دهخدا جلد سوم نیز که در صفحات ۴۲۹۱_۴۲۹۲ کلمه (بلبل) مورد بررسی قرار گرفته است، بیت شعر از شاعران مختلف که این لفظ در شعر به کار رفته است، آورده شده اما بی تی از این دو شاعر مطرح نگردیده است. در رابطه با شرح منطق الطیر طبق اطلاعاتی که به دست آورده ایم دکتر شفیع کدکنی و بهروز ثروتیان بیت هایی از منطق الطیر را که واژه بلبل در آن به کار رفته است شرح داده اند. دکتر سیروس شمیس در فرهنگ اشارات نیز به واژه بلبل توجه داشته اند. ولی هیچ کدام به مقایسه بلبل در اشعار این دو شاعر نپرداختند.

نوع تحقیق:

این تحقیق کاربردی و علمی پژوهشی است.

روش تحقیق:

روش تحقیق کتابخانه ای و مراجعه به سایت های معتبر می باشد. در روش کتابخانه ای محقق با گردآوری مطالب و اسناد حقوقی مرتبط با موضوع از منابع مختلف، با مطالعه و دسته بندی آن ها اقدام به جمع بندی و ارائه آن می کند.

ابزار و روش های گردآوری:

ابزارهای جمع آوری اطلاعات عموماً فیش برداری بوده است. بدین طریق که با مراجعه به کتابخانه و تحلیل های کارشناسان حقوقی مرتبط منابع مورد نظر شناسایی و با مطالعه دقیق آن ها، مطالب مورد نیاز فیش برداری شده است. از مطالب موجود در سایت های اینترنت نیز نکته برداری شد.

◆ منوچهری دامغانی

أبوالنجم احمد بن قوس بن احمد منوچهری دامغانی (در گذشته به سال ۴۳۲ هجری) معروف به منوچهری از شعرای طراز اول قرن پنجم هجری و اهل دامغان بود. در کتب تذکره او را شصت گله و شصت کُله لقب داده اند. گویا علت اشتها منوچهری با این لقب در نزد تذکره نویسان، اشتباه این شاعر با «شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کُله» که از شعرای قرن ششم بود. تخلص خود را از نام نخستین ممدوح خود منوچهر زیاری پنجمین حکمران زیاری گرفته است. بازتاب عناصر طبیعی نظیر رنگ، صوت و عناصر بویایی در آثار منوچهری چشمگیر است. هرچند منوچهری اولین سراینده ُ



ایرانی نیست که از سراینندگان عرب متأثر شده است، با وجود این، شاید در میان سراینندگان فارسی‌زبان پیش از خود یا معاصرانش هیچ کس به اندازه او از ادبیات عرب تأثیر نپذیرفته باشد.

هیچ نسخه قدیمی از منوچهری در دست نیست و غالب نسخ موجود آن از عهد قاجاریه و قدیمی‌ترین آن از دوره صفویه برجامانده است.



◆ عطار نیشابوری

فریدالدین ابو حامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری، یکی از عارفان و شاعران ایرانی بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است. او در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در نیشابور زاده شد و در ۶۱۸ هجری به هنگام حمله مغول به قتل رسید. (زرین کوب؛ ۱۳۸۶ ص ۲۴)

عطار نیشابوری یکی از عارفان و شاعران بزرگ ایران است که تحول عمیقی در عرفان اسلامی ایجاد کرده است. وی در زمینه عرفان، یک صاحب نظر کامل است و مقلد دیگر عرفا یا ادبا نیست، به عبارتی خودش مبتکر است.

عطار در ادبیات عرفانی از دو جهت جایگاه مهمی دارد؛ نخست اینکه، او اولین کسی است که عرفان را به معنی عمیق آن وارد ادبیات فارسی کرد. قبل از عطار در آثار عرفایی چون «امام محمد غزالی» و «خواجه عبدالله انصاری»، مضامین عرفانی مثل عشق، وجود داشت؛ اما به معنی دقیق عرفانی فنا، وحدت وجود و نبود، مثلاً در نوشته‌های امام محمد غزالی، عشق بیشتر جنبه فلسفی و کلامی دارد یا در آثار خواجه عبدالله انصاری مفاهیم بیشتر به زهد و شریعت نزدیک است، حتی سنایی هم در آثارش این مفاهیم را به صورت فلسفی و کلامی مورد بحث قرار می‌دهد، نه عرفانی، اما در آثار عطار مخصوصاً در منطق الطیر، مفاهیم به معنای واقعی عرفانی است از اینجاست که مضامین عمیق عرفانی به صورت جدی و درست به ادبیات فارسی وارد می‌شود.

امتیاز دیگر عطار این است که پیشینیان او بیشتر به مفاهیمی چون عشق، تصوف، ریاضت، شهود فنا نگاهی نظری و انتزاعی داشتند؛ اما عطار مفاهیم عرفانی را به صورت عملی مورد توجه قرار می‌دهد چرا که به زعم او اصطلاحات و واژه‌ها بدون عمل اهمیت چندانی ندارند.

منطق الطیر عطار از چند جهت ارزشمند است؛ اول اینکه نخستین منظومه رمزی عرفانی ایران و زبان فارسی است و پیش از آن به این صورت کسی منظومه رمزی عرفانی نسروده بود. دوم اینکه، در این کتاب بر عرفان عملی تأکید می‌شود.

◆ منطق الطیر

منطق الطیر یا مقامات الطیور منظومه‌ای است از عطار نیشابوری که به زبان فارسی و در قالب مثنوی در بحر رمل مسدس مقصور (محدوف) سروده شده است. کار سرودن این مثنوی در قرن ششم هجری قمری (۱۱۷۷ میلادی) پایان یافته است. ابیات این مثنوی را معمولاً بین ۴,۳۰۰ تا ۴,۶۰۰ بیت دانسته‌اند. منطق الطیر از مثنوی‌های تمثیلی عرفان اسلامی به شمار می‌آید. مراحل و منازل در راه پوییدن و جستن عرفان یعنی شناختن رازهای هستی در منطق الطیر عطار هفت منزل است. او این هفت منزل را هفت وادی یا هفت شهر عشق می‌نامد.

◆ سبک خراسانی:

سبک خراسانی طبیعت‌گرا است و به عبارت دیگر «شعر این دوران در حد اعلائی سادگی و روانی و نزدیکی به طبیعت است» (محبوب، ۱۳۵۰: ۱۳۳) و طبیعت نیز در شعر جناب منوچهری نمود گسترده‌ای دارد و از این موضوع نیز نمی‌توان غافل گشت که استاد زبردستی چون بشار مرغزی راهگشای این سبک از سرایش شعر برای منوچهری است. بشار مرغزی در وصف طبیعت از تعبیرات تازه‌ای استفاده کرد و همین تعبیرات موجب گشت تا منوچهری نیز که از او پیروی می‌کند



در اشعار به طبیعت توجه داشته باشد و زبان نمادین در اشعار او به صورت گسترده مشاهده نمی شود. شعر این دوره واقع گرا است و با شادی همراه بوده و از تصنع های زبان به دور است. قالب شعری مسلط در این دوره قصیده است که مسمط های منوچهری در این دوره زبانزد است. از نظر بدیعی نیز در حد تعادل از آرایه های ادبی استفاده می شود و این موضوعات در عدم استفاده نمادین از الفاظ موثر است، زیرا شاعر قصد ندارد با بیان طبیعت به امور دیگر اشاره کند و هدف توصیف طبیعت یا استفاده از طبیعت در معنای اصلی است و کلام را با استفاده از نمادها به تصنع در فهم هدایت نمی کنند، بلکه زبانی شیوا و روان را برمی گزینند.

◆ سبک عراقی:

یکی از سبک های مهم ادبیات فارسی، سبک عراقی است که از سده هفتم تا سده نهم هجری طول کشید و اغلب در عراق عجم یعنی اصفهان و دیگر نواحی مرکزی ایران و فارس و کرمان رواج داشت و به همین سبب این سبک در دوران اخیر سبک عراقی نام گرفت. از مهم ترین شاعران این دوره می توان به عطار، مولوی، سعدی، امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، جامی و حافظ اشاره کرد.

از سده ششم هجری به بعد بر اثر تحولات درونی و بیرونی جامعه ایرانی، سبک قدیمی رو به سستی نهاد و طلیعه سبک نوینی پدیدار گشت. شاعران به جای پرداختن به الفاظ و معانی رسمی و تشریفاتی، به حدیث نفس گراییدند و برای بیان افکار و عواطف خود به غزل و مثنوی و رباعی که آزادتر از قطعه و قصیده بود، روی آوردند.

هر چند با هجوم مغولان این دگرگونی ها سریع تر شکل گرفت و اقتصاد جامعه درهم شکست، کانون های فرهنگی ناپدید شد و نگرانی و غفلت و نومیدی شیوع یافت؛ عرفان گسترش پیدا کرد و وسیله ای شد برای فرونشاندن دردها و کسب آرامش؛ شعر صوفیانی و غزل توسعه یافت و ادبیات درون گرا شد.

سبک عراقی به مدت ۳۰۰ سال در زمان مغولان و ایلخانان و تیموریان سبک ادبیات فارسی بوده است.

◆ بلبل در لغت:

بلبل [بُ ب] (ع ا) هزارستان. (منتهی الارب) (دهار) (مذهب الاسماء). مرغی است معروف، بقدر عصفوری و خوش الحان. (از تحفه حکیم مؤمن). جانور معروف که هزار باشد. (هفت قلزم). پرنده ایست خرد جثه و سریع حرکت و در طلاق لسان و زبان آوری بدو مثل زنند. (از اقرب الموارد). پرنده ایست جزو راسته گنجشکان متعلق به دسته دندانان نوکان که قدش تقریباً به اندازه گنجشک است و رنگش در پشت خاکستری متمایل به قرمز و در زیر شکم متمایل به زرد است. نوکش ظریف و تیز است. این پرنده حشره خوار است و آوازی دلکش دارد. (فرهنگ فارسی معین) نام هر یک از مرغان بر قدیم از نوع «لوسکینیا» از تیره گنجشک ها برعکس چهچهه دل انگیزش رنگ بال و پر آن زیبایی خاصی ندارد در هر دو جنس نر و ماده رنگ پرها در پشت قهوه ای مایل به سرخی و در زیر شکم سفید مایل به خاکستری و در سینه تیره تر است و تنها دم آن رنگ جالبی دارد پرنده ایست مهاجر و زمستان ها را در عربستان و حبشه و الجزایر می گذراند. بلبل از قدیم الایام



به سبب چهره دل‌انگیز و نعمات موزونش در ادبیات، خاصه ادبیات شرقی و بخصوص ادبیات فارسی، مقام بلند داشته است. از زمان آریستوفانس تاکنون کوشش در تحلیل نغمه‌های آن به سیلاب‌ها به عمل آمده ولی هنوز توفیق حاصل نشده است.

◆ بلبل در منطق الطیر:

افراد برون‌گرا غالباً مایل‌اند بر محیط اطراف خود تأثیر بگذارند و به رقابت با دیگران پردازند. نخستین پرندهای که می‌تواند در مجموعه افراد برون‌گرا بگنجد، بلبل است؛ به‌ویژه در بیت‌های آغازین خود را چنین معرفی می‌کند:

بلبل شیدا در آمد مست مست وز کمال عشق نه نیست و نه هست
معنی در هر هزار آواز داشت زیر هر معنی جهانی راز داشت
شد در اسرار معانی نعره‌زن کرد مرغان را زفان‌بند از سخن
گفت بر من ختم شد اسرار عشق جمله شب می‌کنم تکرار عشق
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۴۹)

در ابیات فوق به نظر می‌رسد که بلبل با فرافکنی صفاتی خواسته است بر محیط و دیگران تأثیر بگذارد. همچنین بلبل را در منطق الطیر، شخصیت جمال‌پرستی می‌یابیم که به قول هدهد به عشق زوال‌پذیر و ملالت‌باری دل‌بسته و بازمانده است و از آن‌رو دچار نوعی افسردگی در اثر صورت‌پرستی شده است.
(حجازی، ۱۳۸۹: ۸۷)

از مختصات دیگر، زیستن بلبل در لحظه حال است که بیت‌های زیر را می‌توان مصادیقی از آن ویژگی دانست:
چون کند معشوق من در نوبهار مشک‌بوی خویش بر گیتی نثار
من پردازم خوشی با او دلم حل کنم بر طلعت او مشکلم
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۴۲)

بلبل با صدای دلنشین خود راهنمای خلق و مسیر‌گشای است:

خلق داوودی به معنی برگشای خلق را از لحن خلقت ره‌نمای
چند پیوندی زره بر نفس شوم همچو داوود آهن خود کن چو موم
گر شود این آهنت چون موم نرم تو شوی در عشق چون داوود گرم
(همان: ۱۰۵)

بلبل عاشق است. گرد گل می‌گردد و عمرش را به پای خواندن برای او می‌گذارد. او نمی‌تواند از گل دل بکند. وقتی به دعوت هدهد با سفر به بارگاه سیمرغ روبه‌رو و از سختی‌های راه مطلع می‌شود، عشق گل را بهانه می‌کند و از رفتن سرباز می‌زند.



بلبل در منطق الطیر، نماینده انسان‌هایی است که فریب مظاهر دنیایی را خورده و عمر خود را به پای عشق مظاهر ناپایدار دنیا سپری کرده‌اند. در این دنیا هنوز بلبل‌های بی‌شماری زندگی می‌کنند که عمر خود را به پای عشق‌های به قول مولانا رنگی می‌گذرانند. بنده پول و ثروت و مقام می‌شوند و دل به این جهان گذرا می‌بندند. به نظر میرسد حافظ در ابیات زیر دقیقاً به همین حکایت و گفتگوی بلبل و هدهد توجه دارد:

چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل مکن
که آن گل خندان به‌رای خویشتن است
(حافظ، ۱۳۸۶: ۱۲۰)

چو در رویت بخندد گل مشو در دامش ای بلبل
که بر گل اعتمادی نیست گر حسن جهان دارد
(همان: ۱۵۷)

خلعت افلاک نمی‌زییدت خاکی و جز خاک نمیزی بدت
(نظامی، ۳۱)

نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل بنال بلبل بیدل که جای فریاد است
(همان: ۱۱۴)
همچنین در بیت:

چه جورها که کشیدند بلبلان از دی به بوی آنکه دگر نوبهار باز آید
(همان: ۲۱۹)

به ابیات زیر از همین گفتگو که از قول بلبل نقل می‌شود، نظر دارد:

چون نبینم محرمی سالی دراز
تن زخم با کس نگویم هیچ راز
چون کند معشوق من هر نوبهار
بوی مشک خویش در عالم نثار
من پردازم خوشی با او دلم
حل کنم بر طلعت او مشکلم
(عطار، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

بلبل نماد خودشیفتگی نیز هست. در فرهنگ اصطلاحات شعری عطار، یکی از عباراتی که معنای تمسخر می‌دهد در کسی خندیدن است. این عبارت درست در مقابل بر کسی خندیدن قرار می‌گیرد. در حکایت زیر عطار به خوبی تمایز



این دو نوع خنده را بیان کرده است. بلبلی عاشق گلی شده است. او با خود می‌پندارد که خنده گل به او نشانه محبت اوست.

◆ بلبل در اشعار منوچهری دامغانی

چون شیرخواره بلبل کو برزند صغیر صلصل به لحن زلزله وقت سپیده دم
در اینجا بلبل را در هنگام آواز خواندن به کودک شیرخواره تشبیه کرده است.

بلبل شیرین‌زبان بر جوزین راوی شود ز ندباف زندخوان بر بیدین شاعر شود
بلبل بر گردو بن به آواز خواندن مشغول می‌شود.

ناله بلبل سحرگاهان و باد مشک‌بوی مردم سرمست را کالیوه و شیدا کند
صدای بلبل در هنگام سحرگاه و باد خوش‌عطر مردم را سرگشته و شیدا می‌کند.

چو چنبرهای یاقوتین به روز باد گلبن‌ها جهنده بلبل و صلصل، چو بازیگر به چنبرها

در بیت‌هایی که از منوچهری می‌بینید بلبل در معنای لغوی خود به کار رفته است و فقط به صدای زیبای بلبل اشاره می‌کند. بلبل را فقط در طبیعت به تصویر می‌کشد و از آن فراتر نمی‌رود.

◆ نتیجه‌گیری نهایی:

با پژوهشی که انجام شد به این نتیجه می‌رسیم منوچهری بر اساس دوره‌ای که در آن زندگی می‌کرد خود نیز دیدگاهی طبیعی و مادی دارد و بیشتر اشعار او نیز از طبیعت و در سطح طبیعت هستند. و بلبل جز معنای لغوی خود کاربرد دیگری ندارد.

اما عطار با توجه به دنیای سبک عراقی از ماده آن سو تر رفته است و از بلبل به عنوان نماد استفاده کرده است. واژه‌ها در هر دوره کاربردهای گوناگونی دارند که در این تحقیق ابعادی از آن آشکار شد.

**منابع:**

- _حجازی، بهجت السادات، (۱۳۸۹)، طیبیان جان، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی
- _دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران
- _زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، صدای بال سیمرغ، تهران: انتشارات سخن
- _محبوب، محمدجعفر، (۱۳۵۰)، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: دانشسرای عالی
- _معین، محمد، (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، ج ۱: چاپخانه سپهر تهران
- _منوچهری، ویکی پدیا: دانشنامه آزاد